

یک آبر جاسوس در رأس هرم قدرت در روسیه

روسیه امروز نیاز به رهبری نیرومند دارد؛ رهبری که بتواند قوانین مفید به حال جامعه را از مراجع قانونگذاری بگذراند و مردم را وادار به رعایت این قوانین کند. او باید قانون اساسی را بازسازی کند و جامعه تباها شده روسیه را به طبیعت ناآلوده خود بازگرداند. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری اجرایی جدید ظاهراً شخصیتی نیرومند و مصمم به نظر می‌رسد که موفق شده است اکثریت آراء نمایندگان دوما و حمایت خارج از انتظار آنان را به دست آورد و شانس خود را برای احراز پست ریاست جمهوری که انتخابات آن در ۲۶ ماه مارس آینده برگزار خواهد شد افزایش دهد. به این ترتیب شاید پوتین همان شخصیتی باشد که بزشکان سیاسی روس او را برای شفاي کشور بیمارشان توصیه می‌کنند و در ضمن به او هشدار می‌دهند که در مسیری که آغاز کرده است راه افراط و سرعت در پیش نگیرد. اما هنوز تقریباً هیچ‌کس این شخصیت تازه پایه عرصه سیاسی گذاشته روسیه و حامیان او را به خوبی نمی‌شناسد.

پوتین در محدوده فعالیت‌های سری و محرمانه، پرونده‌ای روشن دارد که آن نیز کمکی به شناسایی فعلی او نمی‌کند. مشکل این جا است که حقایقی اندک برای شناخت و ارزیابی افکار او و اعتقادات سیاسی وجود دارد. پنج ماه پیش که پوتین به نخست‌وزیری روسیه برگزیده شد و به ویژه پس از جانشینی به جای یلتسین، او به همگان اطمینان داد به همه زوایای تاریک و ناهنجاری‌های امروز روسیه خواهد پرداخت، با دمکرات‌ها از دمکراسی سخن خواهد گفت، با اصلاح‌طلبان برخوردی اصلاح‌طلبانه خواهد داشت با طرفداران خشونت، خشونت‌گرا خواهد بود و با طرفداران غرب به زبان غربی‌ها سخن خواهد گفت. اما آنچه که او می‌گوید اهمیت چندانی ندارد بلکه معیار سنجش وی عمل او است. او تاکنون چه کرده است؟ چه در دوره‌ای کوتاه فعالیت سیاسی و چه در سال‌های

طولانی فعالیت‌های جاسوسی در سازمان ضدجاسوسی شوروی سابق (ک.ا.گ.ب) و در دوران پس از کمونیسم در همین نوع فعالیت.

چرا باید به پوتین مظنون بود؟

دقت در سوابق طولانی گذشته پوتین آغاز نگرانی‌ها است. در هر کشوری از جهان بسیار مشکل است تصور کرد که یک رییس سابق سازمان ضدجاسوسی به ریاست جمهوری برسد. در آمریکا نیز این اتفاق افتاده و جرج بوش که روزگاری رییس سازمان ضدجاسوسی آمریکا (سیا) بود به ریاست جمهوری رسید. ولی نباید فراموش کرد که بوش یک سیاستمدار بود و نه یک جاسوس حرفه‌ای و انتخابش برای ریاست سیا صرفاً یک انتخاب سیاسی بود. اما در شوروی سابق تقریباً هر که به مقامی می‌رسید و یا برای رسیدن به مقامی تلاش می‌کرد ناچار بود یک دوره از خدمتش را در سازمان ضدجاسوسی شوروی بگذراند. در دوران بی‌قانونی کنونی نیز هر سیاستمداری که گام در راه جاه‌طلبی می‌گذارد و قصد کسب اقتدار سیاسی دارد باید نخست اعتماد پلیس مخفی و ارتش را جلب کند. در بیشترین ماه‌های یک سالی که گذشت نقش و نفوذ پلیس مخفی و ارتش مستمراً افزایش یافته است.

روسیه بر اثر باختن جنگ اول در چچن که در سال‌های ۹۶-۱۹۹۴ جریان داشت به شدت تحقیر شده بود، شهرت نظامیانش در جهان به سختی آسیب دید و در داخل و خارج از روسیه به نظامیان روسی نسبت‌هایی از قبیل «مشتی ناتوان» داده می‌شد. این تحقیرها موجب شد که ارتشیان روس در انتظار فرصتی برای اعاده غرور و روحیه خود باشند. دخالت ناتو در کوزوو و مانورهای ناشیانه ارتش روسیه برای برعهده گرفتن سهمی از این دخالت فرصت لازم را برای این منظور فراهم نیاورد.

پس از ماجرای کوزوو، بار دیگر شورشیان

چچن دست به اسلحه بردند و از طریق داغستان ارتش روسیه را به مبارزه طلبیدند. در این میان یک سلسله انفجارهای مرگبار در مسکو و چند شهر دیگر روسیه به شورشیان چچنی نسبت داده شد. ظهور و صعود و محبوبیت پوتین از همین نقطه آغاز می‌شود. اینکه شورشیان چچن مسئول بمب‌گذاری‌های تابستان گذشته بوده‌اند یک احتمال است و هرگز شواهدی برای اثبات آن به دست نیامده است. احتمالات دیگری نیز وجود دارد که آنها نیز بدون اثبات باقی مانده‌اند. از جمله این احتمالات دخالت ک.ا.گ.ب (اف.اس.بی) کنونی در این بمب‌گذاری‌ها است تا بهانه و فرصت لازم برای رساندن پوتین به اقتدار سیاسی فراهم شود. گرجه هیچ شواهدی برای اثبات بمب‌گذاری‌ها به وسیله سرویس‌های مخفی روسیه وجود ندارد ولی با قرار دادن واقعیتی چند در کنار هم بعد به نظر نمی‌رسد که سران ارتش و رؤسای سرویس ضد اطلاعات روسیه برای اعاده حیثیت از دست رفته خود دست به چنین اقداماتی زده و شخص مورد نظر خود، یعنی پوتین را بر مسند اقتدار سیاسی نشانده باشند. تا این لحظه پوتین خواسته‌ها و توقعات ارتشیان و سرویس‌های مخفی روسیه را بر آورده است ولی اثبات این مسئله که آنها او را به قدرت رسانده‌اند به زمانی طولانی‌تر نیاز دارد.

از طرفی طبیعت استعفای بوریس یلتسین از ریاست جمهوری روسیه نیز در به قدرت رسیدن پوتین بی‌تأثیر نبود. با یک محاسبه ساده باید گفت که یلتسین به دلایلی می‌بایست دو سال پیش استعفا داده باشد ولی او مترصد فرصتی برای تعیین جانشین بود که پس از کنار رفتن از قدرت، او و خانواده‌اش را به دلیل آلوده بودن در مسایل مالی به مراجع قضایی نکشاند. ظاهراً به نظر می‌رسد یلتسین برای تأمین این خواسته با پوتین دست به معامله زده و به توافق

رسیده است. وقایع بعدی این نظریه را اثبات کرد و دیده شد که پلنسن هرگز برای پاسخگویی به اتهامات مالی در هیچ دادگاهی حاضر نشد. ناظران معتقدند پلنسن با کنار آمدن با مقامات سرویس‌های مخفی قبل از استعفا، دقیقاً مهره‌های خود را انتخاب کرده و پوتین تنها نماینده علنی این مهره‌ها است و بنابراین هیچ احتمالی وجود ندارد که او و افراد خانواده‌اش به دلیل فساد مالی روزی به دادگاه جلب شوند.

مردی مرموز و خشن

روس‌ها آمیدی فراوان به پوتین بسته‌اند و معتقدند که او پس از آنکه از جنگ چچن فارغ شد خواهد توانست نظم و قانون را به جامعه روسیه بازگرداند، اقتصاد را به سوی بازدهی تولید هدایت کند، در جامعه‌ای دموکراتیک آزادی سخن و آزادی‌های دموکراتیک را برای ملت روس تأمین نماید و اصلاحات اقتصادی را در جهت اقتدار بخشیدن به اقتصاد مبتنی بر بازار به انجام برساند. آرزوی بزرگ پوتین که به عنوان نخستین آزمایش سخت زندگی سیاسی او از آن نام برده می‌شود، بیرون آمدن موفق از جنگ چچن است. او معتقد است تنها در این صورت قادر خواهد بود در آینده روابط مطلوب را با مسلمانان و جهان اسلام تنظیم کند. [به نظر می‌رسد وی در مورد چچن به قسمت اعظم آرزوهایش رسیده است.]

از نظر روس‌ها، پوتین تا این لحظه، در دوران نخست‌وزیری خود هیچ اشتباه سیاسی قابل توجهی مرتکب نشده است و حضورش در صحنه‌های سیاسی روسیه و جهان شفاف و بی‌نقص بوده است. با ظاهری مرموز و تا حدودی خشن موفق شده است جنگ چچن را به نفع ارتش روسیه به پیش ببرد و شاید به همین دلیل به مردی توانا و محبوب در میان روس‌ها شهرت یافته است (به رغم تلاف سنگین سربازان روس در جنگ چچن)، با این حال حسن تلقی روس‌ها از پوتین بیش از آن چیزی است که در شخصیت پوتین نهفته است، او در دوران کوتاه اقتدارش شخصیتی کاملاً متفاوت با پلنسن از خود بروز داده است. برخلاف پلنسن که مردی بود متلون‌المزاج، بوالهوس، میخواره و بی‌توجه به اصول دیپلماسی،



پوتین و همسرش... پوتین برخلاف پلنسن در مجامع عمومی رفتاری سنجیده و متین دارد.

پوتین شخصیتی است به شدت منضبط و بیش از اندازه دقیق و باریک‌بین. هرگز دیده نشده در مجامع رسمی و در حضور خارجیان می‌گساری کند. گرچه چندان از رفتارهای دیپلماتیک، به دلیل سوابق گذشته‌اش برخوردار نیست ولی در صورت لزوم برانعطاف و نرم و به موقع خود سرد و سخت و تودار است. برخلاف پلنسن که به راحتی تندرستی خود را در معرض بی‌تحریکی و میخوارگی قرار می‌داد او برای سلامت جسمانی خود اهمیتی ویژه قابل است، بیاده روی روزانه او ترک نمی‌شود و به ورزش‌های رزمی علاقه‌ای خاص دارد.

توانایی‌های شخصی و اعتماد به نفس پوتین نقشی عمده در پیمودن راه رسیدن به اقتدار داشته است. او در دوران استالین متولد شد. در دوران برژنف رشد کرد و در دوران «آندروپوف» [از مقتدرترین و زیرک‌ترین رؤسای کا.گ.ب.] از مدرسه جاسوسی وابسته به کا.گ.ب. فارغ‌التحصیل شد و در همین دوران به خدمت این سازمان درآمد. پوتین که فرزند یک کارگر لنینگرادی است، خیلی سریع راه ترقی در کا.گ.ب. را پیمود. گرچه او نه استعدادی برجسته داشت و از نظر تحصیلی نیز فاقد تیزهای

دانشگاهی بود. ولی شخصیتی سخت‌کوش داشت و اطاعت از مافوق‌هایش زیانزد همکارانش بود. با این حال هیچ‌کدام از این خصوصیات نمی‌توانست دلیل و عامل برای رسیدن او به پست نخست‌وزیری و بعدها مسئولیت‌های ریاست جمهوری باشد. منابع غربی معتقدند پوتین به وسیله مقامات نیرومند سرویس‌های مخفی روسیه در «آب نمک» خوابانده شده بود تا به موقع از او استفاده شود، گرچه شاید این ادعا تا حدودی اغراق‌آمیز باشد ولی سوابق او در کا.گ.ب. که تقریباً همه سوابق شغلی او

را تشکیل می‌دهد به این شایعه دامن می‌زند. از جمله افسانه‌هایی که به وسیله دوستانش بر سر

زبان‌ها افتاده این است که پوتین با آنکه هیچ نسبتی با برگزیدگان حزبی در دوران حکومت شوروی نداشته، اما موفق شده است به حساس‌ترین پست‌های جاسوسی دست یابد، دوستانش می‌گویند او یک افسر اطلاعاتی و عضو گروه برگزیدگان آبر جاسوس‌های شوروی بود. در رشته جاسوسی خوب تحصیل کرده بود، در مسئولیت‌های خارج از کشور خدمت کرده بود و پیچیدگی‌های جهان خارج از شوروی را به خوبی می‌شناخت و به ویژه در زمینه شیوه‌های کسب و کار و تجارت در غرب یک کارشناس به شمار می‌رفت. این مشاغل در شوروی سابق معمولاً به فرزندان رؤسای کا.گ.ب. و کادرهای برجسته حزبی داده می‌شد و چنین محافل و مشاغلی جایی نبود که پوتین به آنها راهی داشته باشد، ولی او به این کلوب‌ها راه یافت. اعتقاد ناظران غربی بر اینکه پوتین تربیت شده مقامات عالی‌رتبه کا.گ.ب. است تا به موقع از او استفاده کنند، از همین جا ناشی می‌شود.

منابع: مجله اکونومیست، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۰ و مجله

نیوزویک، ۱۷ ژانویه ۲۰۰۰

برگردان از بخش ترجمه «گزارش»

